

دانشگاه پیام نور - کتابخانه مرکزی  
بخش ثبت کتابخانه

۴	شماره کتاب
۲۸۷	شماره قفسه
۸۴/۱۱/۱۶	تاریخ ثبت

**دانشگاه شهید بهشتی**

**گروه جامعه‌شناسی**

**پایان نامه**

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته

پژوهش اجتماعی

موضوع

**بررسی رابطه بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و**

**عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان سال چهارم نظری**

**تهران**

استاد راهنما

دکتر سید محمد سید میرزائی

استاد مشاور

دکتر مسعود چلبی

نگارش

حسین دهقان

۱۳۷۵

۲۳۸۷ / ۱۲ / ۹۷۱

۹۵۶۶۶

« فهرست مختصر مطالب »

پیش گفتار ..... ۱-۲

مبحث ورودی ..... ۳-۷

فصل اول چهار چوب تئوریک ..... ۸-۸۳

فصل دوم روش تحقیق ..... ۸۴-۱۱۳

فصل سوم یافته‌ها ..... ۱۱۴-۱۴۸

پیشنهادات ..... ۱۴۹-۱۵۱

منابع ..... ۱۵۲-۱۵۵

ضمیمه شماره ۱ ..... ۱۵۶-۱۶۵

ضمیمه شماره ۲ ..... ۱۶۶-۱۷۲

## « فهرست مشروح مطالب »

پیش‌گفتار..... ۱

### مبحث ورودی

مقدمه..... ۳

مسأله..... ۴

دیرینه مسأله..... ۴

اهمیت مسأله..... ۶

اهداف..... ۷

### فصل اول

#### چهار چوب تئوریک

پایگاه اقتصادی اجتماعی..... ۸

تعریف پایگاه اقتصادی - اجتماعی در تحقیق حاضر..... ۹

مفاهیم مورد استفاده در تعریف پایگاه..... ۱۰

موقعیت..... ۱۰

ساخت..... ۱۲

سلسله مراتب برخورداری..... ۱۲

منزلت..... ۱۴

بهره‌مندی..... ۱۷

قدرت..... ۱۸

ثروت..... ۲۲

مهارت (آموزشی)..... ۲۲

نیروی کار یدی..... ۲۳

بازار مبادله..... ۲۳

۲۶..... طبقه اجتماعی

۲۶..... کارل مارکس

۲۸..... تعداد طبقات

۲۸..... آگاهی طبقاتی

۲۸..... طبقه در خود و طبقه برای خود

۲۹..... ماکس وبر

۳۰..... فرانک پارکین

۳۱..... آنتونی گیدنز

۳۱..... نیکوس پولا نتزاس

۳۲..... اریک اولین رایت

۳۵..... طبقه بالقوه و طبقه بالفعل

۳۶..... واگرایی اقطابی (پولاریزه شدن طبقات)

۳۷..... عملکرد تحصیلی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی

۳۸..... چگونگی رابطه بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و عملکرد تحصیلی

۳۹..... نظریه خرده فرهنگ طبقات

۴۰..... نظریه قالبهای زبانی برنشتاین

۴۱..... نظریه انتخاب عقلانی

۴۵..... ارزش

۴۶..... تعریف ارزش در این تحقیق

۴۶..... انواع ارزش از نظر مصداق

۴۶..... انواع ارزش از نظر دلیل انتخاب (عاطفی / عقلانی)

۴۷..... انواع ارزش از نظر استراتژی انتخاب (هدفگرا / وسیله گرا)

۴۷..... انواع ارزش از نظر منشاء انتخاب (درونی / بیرونی)

۴۷..... جمع بندی (ابزاری / ابرازی)

۴۸..... تحدید حدود ارزش

۴۸.....	ارزش و عقاید.....
۴۹.....	ارزش و گرایش.....
۵۱.....	رابطه ارزش با متغیرهای دیگر.....
۵۳.....	انگیزه پیشرفت.....
۵۴.....	تعریف انگیزه پیشرفت در این تحقیق.....
۵۴.....	رابطه انگیزه با متغیرهای دیگر تحقیق.....
۵۵.....	انگیزه و تقویت کننده‌ها.....
۵۵.....	انگیزه و نیاز.....
۵۶.....	شناخت بعنوان علت انگیزه.....
۵۷.....	خود و انگیزه.....
۵۷.....	انگیزه درونی در مقابل انگیزه بیرونی.....
۵۸.....	هدف و انگیزه.....
۵۸.....	ماهیت اهداف.....
۶۰.....	خلاصه یافته‌های اصلی در خصوص اهداف، کنش و اثر.....
۶۲.....	پایگاه اقتصادی اجتماعی و انگیزه.....
۶۴.....	انگیزه و عملکرد تحصیلی.....
۶۵.....	جمع بندی و نتیجه گیری.....
۶۹.....	عزت نفس.....
	خود
۷۰.....	کنش متقابل نمادی و مفهوم خود.....
۷۱.....	من فاعلی و من مفعولی.....
۷۲.....	مفهوم عزت نفس.....
۷۳.....	تعریف عزت نفس در این تحقیق.....
۷۳.....	عزت نفس به عنوان معلول.....
۷۴.....	عزت نفس به عنوان علت.....

۹۳.....	روش ذهنی
۹۳.....	روش عینی
۹۴.....	چگونگی سنجش ارزش و انگیزه پیشرفت تحصیلی
۹۶.....	چگونگی سنجش عزت نفس
۱۰۰.....	چگونگی سنجش ذائقه آموزشی، اقتدار پدر و هدف تحصیلی
۱۰۱.....	چگونگی سنجش هوش
۱۰۳.....	تنظیم پرسشنامه
۱۰۴.....	جامعه مورد مطالعه
۱۰۵.....	نمونه‌ها و نمونه‌گیری
۱۰۸.....	پرسشگران و پرسشگری
۱۰۹.....	استخراج
۱۰۹.....	پردازش آماری
۱۰۹.....	پایگاه اقتصادی - اجتماعی
۱۱۲.....	ضریب روانی آلفا کرونباخ
۱۱۳.....	جدول ضرائب آلفا کرونباخ
۱۱۳.....	عملکرد تحصیلی

## فصل سوم

### یافته‌ها

۱۱۴.....	تحلیل نتایج حاصله
۱۱۴.....	نتایج مربوط به پایگاه اقتصادی - اجتماعی و عملکرد تحصیلی
۱۱۴.....	رابطه خطی پایگاه اقتصادی - اجتماعی و عملکرد تحصیلی
۱۱۵.....	رابطه خطی مؤلفه‌های پایگاه اقتصادی اجتماعی و عملکرد تحصیلی
۱۱۶.....	رابطه غیر خطی پایگاه اقتصادی - اجتماعی و عملکرد تحصیلی
۱۱۹.....	رابطه غیر خطی مؤلفه‌های پایگاه اقتصادی اجتماعی و عملکرد تحصیلی
۱۲۲.....	تسهیلات آموزشی به عنوان متغیرهای بینابینی

۱۲۴.....	نتایج مربوط به هوش به عنوان متغیر بینابینی
۱۲۴.....	مدل علی روابط هوش به عنوان متغیر بینایی
۱۲۵.....	همبستگی تفکیکی پایگاه و عملکرد تحصیلی با کنترل هوش
۱۲۵.....	توضیح نقش واسطه‌ای هوش به تفکیک جنس
۱۲۸.....	نتایج مربوط به ذائقه آموزشی والدین به عنوان متغیر بینابینی
۱۲۸.....	مدل علی روابط ذائقه آموزشی به عنوان متغیر بینابینی
۱۳۰.....	نتایج مربوط به عزت نفس به عنوان متغیر بینابینی
۱۳۰.....	مدل اولیه روابط عزت نفس با متغیرهای دیگر
۱۳۱.....	مدل نهایی روابط عزت نفس با متغیرهای دیگر
۱۳۲.....	تأثیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی بر عزت نفس دختران و پسران
۱۳۵.....	نتایج مربوط به انگیزه پیشرفت تحصیلی به عنوان متغیر بینابینی
۱۳۵.....	رابطه خطی پایگاه اقتصادی - اجتماعی، انگیزه پیشرفت تحصیلی و عملکرد تحصیلی
۱۳۶.....	رابطه غیر خطی پایگاه اقتصادی - اجتماعی و انگیزه پیشرفت تحصیلی
۱۳۹.....	مدل اولیه روابط انگیزه با متغیرهای دیگر
۱۴۰.....	مدل نهایی روابط انگیزه با متغیرهای دیگر
۱۴۲.....	روابط تعاملی عزت نفس تحصیلی، انگیزه پیشرفت تحصیلی و عملکرد تحصیلی
۱۴۵.....	نتایج مربوط به ارزش تحصیلی به عنوان متغیر بینابینی
۱۴۵.....	مدل اولیه روابط ارزش با متغیرهای دیگر
۱۴۶.....	مدل نهایی روابط ارزش با متغیرهای دیگر
۱۴۸.....	نتایج مربوط به اقتدار پدر به عنوان متغیر بینابینی
۱۴۹.....	پیشنهادات
۱۵۲.....	منابع
۱۵۶.....	ضمیمه شماره ۱
۱۶۶.....	ضمیمه شماره ۲

## چکیده

این پایان نامه که در یک مبحث ورودی و سه فصل شامل، چهارچوب تئوریک، روش تحقیق و یافته‌ها تنظیم شده است، دربرگیرنده مطالبی است که طی آن رابطه بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانش‌آموزان سال چهارم نظری شهر تهران بر عملکرد تحصیلی آنان مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین پایگاه اقتصادی - اجتماعی به عنوان متغیر مستقل و عملکرد تحصیلی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. لذا مبنی بر آن سؤالات اساسی تحقیق به شرح ذیل مطرح می‌باشند:

۱- آیا رابطه‌ای بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و عملکرد تحصیلی وجود دارد؟

۲- در صورت وجود رابطه، جهت و شدت تأثیر به چه صورت است؟

۳- متغیرهای بینابینی که نقش واسطه‌ای در انتقال اثر پایگاه اقتصادی - اجتماعی و عملکرد تحصیلی ایفاء می‌کنند چه چیزهایی هستند؟ و هر یک چه سهمی در انتقال اثر مذکور دارند؟

در فصل چهارچوب نظری، مفاهیم مورد استفاده تعریف شده و نظریات مرتبط با موضوع همراه با پیشینه آنها مطرح شده‌اند. در مفهوم سازی پایگاه اقتصادی - اجتماعی و طبقه اجتماعی از دیدگاه افرادی چون، ماکس وبر، کارل مارکس، فرانک پارکین، آنتونی گیدنز، نیکوس پولاتزانس و اریک اولین رایت استفاده شده. با سود جستن از تلفیق نظری، و با نگاهی ویژه، تعاریف مورد نظر محقق ارائه شده است. همچنین در مفهوم سازی از متغیرهای بینابینی تحقیق که شامل متغیرهای مانند: ارزش، انگیزه پیشرفت، عزت نفس، ذائقه آموزشی (حساسیت تحصیلی)، اقتدار پدر و هوش، بسته به نیاز از دیدگاههای مختلف در حوزه‌های روانشناسی و جامعه‌شناسی استفاده شده و بعضاً تعاریف ویژه‌ای با نگاه جدید برای آنها ارائه شده است.

پرسشنامه‌ها و تستهای پیش گفته را، بر روی ۳۰۲ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر سال چهارم در مناطق یک، شش و نوزده تهران اجرا نموده و برای سنجش متغیرها که در سطوح مختلف اسمی، ترتیبی و فاصله‌ای بوده‌اند از پرسشنامه‌ای که در برگیرنده سؤالات و گویه‌های مختلف بوده، استفاده شده است. گویه‌های مذکور در قالب طیفهای لیکرت و برش قطبین ساخته شده‌اند. همچنین برای سنجش هوش در یک مرحله جدا، آزمون هوشی ریون اجرا شده است. در استخراج آماری از نرم افزارهای مختلف کامپیوتری استفاده شده و به صورت عمده آماره‌هایی مانند تحلیل مسیر، رگرسیون، معادلات غیرخطی و ضرائب سطح اسمی و رتبه‌ای برای تعیین روابط متغیرها محاسبه شده‌اند.

یافته‌های تحقیق، حکایت از آن دارد که، پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانش‌آموز بر عملکرد تحصیلی وی تأثیر مثبت داشته و این تأثیر به صورت عمده از طریق متغیرهای بینابینی مانند، عزت نفس تحصیلی، ارزش تحصیلی، انگیزه پیشرفت تحصیلی و ذائقه آموزشی والدین منتقل می‌شود، در حالیکه با شرایط تحقیق حاضر، اثر اقتدار پدر و تسهیلات فیزیکی آموزشی بر عملکرد تحصیلی مورد تأیید قرار نگرفت.



نوشته حاضر در یک مبحث ورودی و سه فصل عمده تنظیم شده است، که شامل: فصلهای اول: چهارچوب تئوریک، دوم: روش تحقیق، سوم: یافته‌ها است. مبحث ورودی نیز به عنوان مدخلی برای مباحث اصلی، در برگیرنده مقدمه، مسئله و اهداف تحقیق می‌باشد.

فصل اول که ذیل عنوان چهارچوب تئوریک تدوین شده، مشتمل بر بنیادهای نظری تحقیق، مفاهیم و تعاریف آنها و همچنین توضیح چگونگی روابط بین متغیرهای دخیل به همراه پیشینه مختصری از روابط مذکور می‌باشد. فصل دوم به روش تحقیق اختصاص یافته و اجزائی مانند چگونگی سنجش هر متغیر، روشها و شیوه‌های به کار رفته در تحقیق و نحوه ساختن ابزارهای سنجش در خود داشته و به تشریح و توضیح آنها می‌پردازد.

فصل سوم نیز تحت عنوان یافته‌ها، در واقع تبیین و تحلیل آماری و نتایج حاصل از آنها را مطرح نموده و یافته‌های کلی و جزئی را با عنایت به مباحث نظری مطروحه در فصل اول بیان می‌کند.

گفتنی است که سبک نگارش و چگونگی بیان مسائل به نحوی بوده که با عنایت به توان محقق و محدودیت زمانی، سعی شده تا وضوح و سادگی بیشتر در نوشته‌ها لحاظ شود. همچنین ارجاعات به منابع اصلی به صورت رجوع در داخل متن می‌باشد که طی آن منابع مورد استفاده در انتهای هر نوشته در داخل علامت « [ ] » قرار گرفته است. برای منابع فارسی از سمت راست نام نویسنده یا نویسندگان قرار دارد و بعد از علامت « ، » سال انتشار منبع و سپس بعد از علامت « : » صفحات مورد رجوع قرار گرفته‌اند. به همین روال و سیاق نیز برای منابع انگلیسی عمل شده است با این تفاوت که منابع انگلیسی از چپ به راست نوشته شده است. همچنین در مواردی که متن اصلی مورد رجوع منابعی را جهت مطالعه یا استناد مطالب منقول ذکر نموده است بعضاً به علت اهمیت این مستندات، آنها در داخل « ( ) » آورده شده‌اند. این در حالیست که به صورت مستقیم به منابع مذکور مراجعه نشده است. در کنار ارجاعات فوق شماره‌هایی نیز برای رجوع به پاصفحه در نظر گرفته شده است که غالباً معادلهای غیر فارسی اسامی و یا توضیحات ضروری است که از طرف محقق ارائه شده است.

راهنمایی این رساله را جناب آقای دکتر محمد سیدمیرزائی مدیر محترم گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی تقبل فرمودند که در طی انجام آن با دقتی عالمانه نظارت و راهنمایی سودمند علمی را اعمال نمودند. بدینوسیله از مجموع زحماتی که در این راه متحمل شده و با بزرگواری تمام مشوق روانی و مزید دلگرمی برای طی بهتر طریق بودند، تشکر و قدردانی می‌نماید. همچنین وظیفه خود می‌دانم که از راهنماییهای عالمانه جناب آقای دکتر مسعود چلبی که به عنوان استاد مشاور که غالباً راهنماییهای ایشان بیش از حد یک مشاور راه‌گشا بوده قدردانی نماید. در پایان جا دارد که از دانشجویان مقطع کارشناسی جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، خانمها: احمدی، محمدی

اردهالی، کشاورز، عموئی، نورالدینی، کاظمی و آقایان: اکبری، حسینی، چاووشیان، موسوی میرکلائی، عباسی، پورایران و عبدالرسولی که هر یک به تناسب در دو مرحله جمع آوری اطلاعات کمکهای ارزنده‌ای کردند، تشکر نموده و توفیق روزافزون ایشان را از خداوند طلب کنم.

مبحث

ورودی

## مبحث ورودی

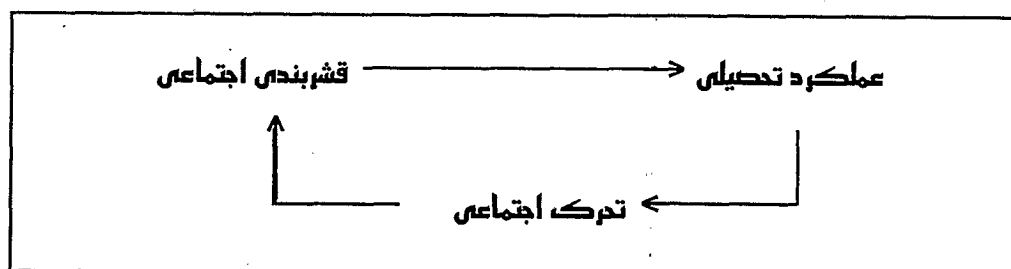
### مقدمه

آیا رابطه‌ای بین قشربندی اجتماعی با نظام آموزشی وجود دارد؟ آیا نظام آموزشی بر قشربندی اجتماعی تأثیر دارد؟ یا عکس آن صادق است؟ در صورت پاسخ مثبت این تأثیر و تأثرات به چه صورت اعمال می‌شود؛ مکانیزمها و مجاری اعمال تأثیرات چیست؟ و متغیرهای واسطی که این تأثیرات را به صورت پُل‌های ارتباطی منتقل می‌کنند چه چیزهایی هستند؟

سوالات فوق پرسشهایی هستند که در بدو برخورد با مسئله آموزش و قشربندی به ذهن می‌رسد اما پاسخ آنها چیست و واقعیت موضوع چگونه قابل بیان است. طبیعی است در پاسخ به سوالات فوق از طرف صاحب‌نظران مختلف، دیدگاههای متعددی ابراز شده و همین دیدگاههای مختلف بعضاً منشاء بوجود آمدن نحله‌های مختلف نظری در برخی از علوم مرتبط با موضوع شده است [به عنوان مثال ر. ک. قورچیان، ۱۳۷۳: ۶۹-۴۷]. اما گذشته از دیدگاههای مختلف نظری، می‌توان گفت که نظام آموزشی در بعد جهانی نقش مهمی در قرار دادن افراد در موقعیتهای شغلی گوناگون ایفا می‌کند. این نظام افراد را بر اساس تفاوت در تواناییهای ارزشمندشان دسته‌بندی کرده و آنها را به جریانهای از آموزش که ظرفیتشان را رشد دهد، هدایت می‌کند. اما بسیاری از عوامل دیگر موفقیت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، تا توانایی خود آنها. این عوامل شامل مواردی مانند، تفاوت در سطح و کیفیت آموزش موجود در یک کشور، منطقه یا جامعه‌ای است که فرد در آن زندگی می‌کند، نابرابری در دسترسی به امکانات آموزشی، مبتنی بر پایگاه طبقاتی، مذهب، نژاد و منشاء قومی فرد و یا تفاوت در انگیزه‌ها، ارزشها و نگرشهای فرد، و بلاخره تفاوت در رغبت و توانایی والدین و دیگران مهم دانش‌آموز در تدارک حمایت‌های مالی و روانشناختی لازم برای به حداکثر رساندن استعداد بالقوه می‌باشند.

در پاسخ به بخشی از پرسشهای مطرح شده، تحقیق حاضر در پی بررسی و سنجش چگونگی تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین بر عملکرد تحصیلی فرزندان در شهر تهران می‌باشد. مراد از چگونگی این است که در صورت تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی بر عملکرد تحصیلی، جهت و شدت این تأثیر به چه صورت بوده و خصوصاً متغیرهای بینابینی که از طریق آنها این تأثیر عمل می‌کند کدامند. وفق شرحی که در فصل روش خواهد آمد، مبتنی بر یک بررسی پس از وقوع از نوع پیمایشی و با هدف یافتن هم‌تغییری بین متغیرها سعی دارد به سطح علی نزدیک شود. این تحقیق را می‌توان به عنوان کاری در محدوده جامعه‌شناسی آموزش و پرورش تلقی نمود. چرا که در هر حال از زاویه جامعه‌شناسی هم در طرح مسئله و هم در چارچوب تئوریک و روش ساخته و پرداخته شده است. به عنوان مثال، مسئله از این نظر در جامعه‌شناسی قابل تأمل است که اصولاً آموزش در شکل جدید به عنوان یک

فرآیند جامعه پذیری از یک طرف و از سوی دیگر به عنوان یکی از ابزارهای مهم توزیع امکانات و فرصتها محسوب شده و تحرک اجتماعی را تسهیل می‌نماید. آموزش در یک فرایند زنجیره‌ای از نابرابری یا قشربندی اجتماعی متأثر است، لذا شناخت مکانیزم عمل آن در هر قسمت از این زنجیره مهم خواهد بود. بنابراین پژوهش فعلی در پی روشن ساختن بخشی از قسمت اول این زنجیره می‌باشد که تأثیر قشربندی بر عملکرد تحصیلی است. تصویر زیر نمایانگر زنجیره یاد شده می‌باشد.



مسأله

با بیان مجملی که در مقدمه آمد، کمابیش مشخص شد که مسئله تحقیق چیست و اصولاً این پژوهش در پی پاسخ به چه سئوالاتی شکل گرفته است. ذیلاً سعی می‌شود، این اجمال اندکی بیشتر گشوده شده و بیان مسئله در قالب دیرینه و اهمیت آن در حال حاضر مطرح گردد.

دیرینه مسأله

آموزش در ادوار کهن زندگی بشر به عنوان یکی از کارکردهای خانواده محسوب و از طریق این نهاد اعمال می‌شده است، ولی به تدریج با گسترش اجتماعات بشری، پیچیدگی مناسبات و در جهت تسهیل در برآوردن نیازها، نهادهای جدید بوجود آمده و در نهایت، کارکرد آموزش از خانواده منتزع شده و بخش عمده آن در خارج از خانه و از طریق سازمانهای مشخص دنبال گردید. بدین ترتیب درس و مدرسه و عوامل آن به صورت فعلی شکل گرفت. اما علیرغم شکل اجباری آموزش و پرورش که از اوایل قرن نوزدهم شروع شده است. تا قبل از آن آموزش ویژه و موروثی، برای صاحبان ثروت و قدرت امری قانونی بود «و در این شرایط صاحبان ثروت و قدرت مخیر بودند تا تعلیمات ویژه‌ای را برای فرزندان خود طلب کنند و آنها را برای پذیرش مسئولیت‌های خاص در آن جامعه آماده سازند. به عبارت دیگر، تعلیم و تربیت جنبه طبقاتی داشت و مشاغل مهم و حساس را در اختیار کسانی قرار می‌داد که والدین آنها از قبل موضع برتری داشتند.» [ر. ک. کانل، ۱۳۶۸] البته با بوجود آمدن مدارس دولتی که در قرن هجدهم در اروپا و امریکا شکل گرفت. مباحث مربوط به برابری در آموزش و چگونگی حصول آن، اهمیت ویژه‌ای

پیدا کرد. بطوریکه در یک طرف، طبقات مسلط گذشته و یاران آنها قرار گرفتند و در سوی دیگر نمایندگان طبقات پائین و مریبان انساندوستی صف آرایی کرده بودند که از آزادیهای بدست آمده برای طبقات پائین اجتماع دفاع می کردند [جوادی، ۷۳: ۲۰] بعدها با اجباری و رایگان شدن آموزش برای همه این تصور بوجود آمد که برابری به حداکثر رشد رسیده و حال که همه می توانند به مدرسه بروند آموزش وضعیت برابری را برای همه در پیش روی می گذارد.

خوش بینی ناشی از این دیدگاه نیز دیری نپایید و تحقیق جیمز کلن استاد دانشگاه جان هاپکینز که در سال ۱۹۶۴ شروع شده بود، نشان داد که ابعاد این مسأله پیچیده تر از آن است که سرعت و سادگی بتوان آن را حل و فصل کرد. [جوادی: ۱۳۷۳؛ ۲۰] وی در نهایت عواملی را خارج از نظام آموزش بعنوان عوامل تأثیرگذار در عملکرد آموزشی برشمرد که مهمترین آنها طبقه اجتماعی بود که دانش آموز بدان تعلق داشت.

البته در کنار تحقیقات افراد فوق الذکر که عمدتاً از زاویه نابرابری فرصتها، موضوع را مورد بررسی قرار داده اند گروه دیگری از محققین به زوایای دیگری از رابطه بین طبقه اجتماعی و پیشرفت تحصیلی پرداخته اند که غالباً با عمده کردن متغیرهای بینابینی بصورت دقیقتری آنرا مورد توجه قرار داده اند که در این زمینه می توان به کارهای "برنستین" در خصوص تأثیر طبقه اجتماعی بر رشد کلامی، اشاره کرد.

همچنین مسئله نقش معلم و تأثیرپذیری وی از طبقه اجتماعی دانش آموز و شکل گیری گرایش متفاوت وی به دانش آموزان با زمینه های نابرابر خانوادگی و نهایتاً تأثیری که این فرآیند بر عملکرد تحصیلی دانش آموز دارد، موضوع بسیاری از تحقیقات دیگر بوده که البته با میزان کمتری از تأثیرگذاری بر عملکرد مورد تأیید قرار گرفته است.

میشل جیلی و فاریولی در مطالعه ای سعی کردند که اثر طبقه اجتماعی دانش آموز بر تصور معلم و نهایتاً بازخورد این تأثیر در موفقیت تحصیلی دانش آموز را بررسی کنند که در پایان تأثیر طبقه را بعد از موفقیت تحصیلی مورد تأیید قرار دادند همچنین پالموناری و دوایسی در تحقیق دیگری در خصوص سازگاری دانش آموز در مدرسه و رابطه آن با طبقه اجتماعی وی دریافتند که هرچه سطح طبقه اجتماعی دانش آموز پائینتر باشد امکان اینکه او مشکل داشته و این مشکل در مراحل بعد عمیقتر و بیشتر شود زیادتر است. [منادی، ۷۴، ۵] و بطور طبیعی این ناسازگاری تأثیر در عملکرد تحصیلی دارد.

همچنین پرادپاسنا در تحقیقی که در تایلند داشت مشخص کرد که چگونه زمینه های طبقاتی معلمان بر انتظار و نحوه تعامل وی با دانش آموزان طبقات متفاوت مؤثر می باشد. وی نشان داد که حتی لحن کلام معلم در برخورد با دانش آموزان طبقات مختلف متفاوت است [Pradipasena, Yuwapa, 1989] بدین صورت که لحن وی با تأثیر بر عزت نفس دانش آموز عملکرد تحصیلی وی را تحت تأثیر قرار می گیرد.

در یک حیطه موضوعی وسیعتر تحقیقات دیگری نیز در خصوص ارتباط نابرابری با آموزش صورت گرفته که علاوه بر طبقه اجتماعی، موضوع فرصتهای نابرابر را از زاویه اختلاف نژادی و جنس بررسی کرده‌اند. بطوریکه در یک تحقیق کتابخانه‌ای (اسنادی) که در سال ۱۹۸۶ توسط گرانت<sup>(۱)</sup> و اسلیتر<sup>(۲)</sup> بر روی تحقیقات انجام شده در محدوده موضوعی نژاد، جنس و طبقه اجتماعی و ارتباط آنها با آموزش و پرورش صورت گرفته، نتایج ذیل بدست آمده‌است:

آنها با مراجعه به نتایج تحقیقاتی که در چهار مجله علمی از سال ۱۹۷۳ تا سال ۱۹۸۳ در طی ده سال منتشر شده بود، و با نمونه‌ای ۷۱ موردی علاوه بر یافتن همپوشیهایی در نتایج تحقیقات که در آن سه عامل فوق‌الذکر باهم دخیل بوده‌اند، مشخص نمودند که قریب به ۱۵ مورد از تحقیقات انجام شده در خصوص طبقه اجتماعی بوده، ۳۰ مورد درباره نژاد تحقیق کرده‌اند، ۱۸ مورد تمرکز اولیه تحقیق را بر رابطه جنس و تحصیلات گذاشته‌اند، ۵ مورد مشترکاً بر روی دو موضوع و ۳ نمونه نیز در هر سه موضوع به تحقیق پرداخته‌اند. [Grant & Sleeter, 1986] بطور مثال پالاس<sup>(۳)</sup> و الکساندر<sup>(۴)</sup> در طی تحقیقی در ۱۹۸۳ دریافتند که جنسیت تأثیر بیشتری بر عملکرد تحصیلی در درس ریاضی دارد تا نژاد و طبقه اجتماعی.

تاکنون تحقیقاتی که ذکر شد، فرد را بعنوان واحد تحلیل بکار برده‌اند ولی تحقیقات دیگری نیز در خصوص موضوع نابرابری و آموزش صورت گرفته که واحد تحلیل آنها بزرگتر از فرد بوده مانند واحد آموزشی (مدرسه) منطقه یا کشور که در این صورت محور تحقیق معمولاً در تحصیلات در نابرابری منطقه‌ای بوده که خارج از حیطه موضوعی این تحقیق می‌باشد و بیشتر به مباحث توسعه اجتماعی یا اقتصاد آموزش و پرورش مربوط می‌شود. در کشور ما نیز که بعد از مشروطه آموزش نوین بطور جدی مطرح شد تاکنون روندی نسبتاً مشابه آنچه ذکر شد، در جریان بوده و هم‌اکنون این مسئله از دو زاویه برای ما واجد اهمیت است که ذیلاً به آنها خواهیم پرداخت.

#### اهمیت مسأله

در درجه اول مبحث نابرابری در ارتباط با آموزش از آن جهت مهم است که متغیرهای دخیل در این فرآیند بصورت زنجیره‌ای و در قالب یک چرخه به هم پیوسته می‌توانند موجب بازتولید نابرابری در جامعه گردد چرا که درون داد نابرابر به نظام آموزشی که با خود زمینه نابرابری از خانواده را حمل می‌کند و فرایند نامساوی فرصتهای آموزشی، به نوبه خود برون داد نامساوی را به جامعه باز خواهد گرداند که در طی این چرخه نابرابریهای اجتماعی با

1- Carl A. Grant

2- Christine E. Sleeter

3- Pallass

4- Alexnder

تخصیص و تجدید فرصت تحرک اجتماعی برای افراد خاص، تشدید خواهد شد. البته واقعیت این است که نظام آموزش نوین در بطن خود همزمان عناصر برابری و نابرابری را دارا است و لذا شناخت مکانیزم عمل هر یک در جهت برنامه‌ریزی صحیحتر برای مسئولین حائز اهمیت می‌باشد.

در درجه دوم همانگونه که کلمن، جنکس، استیفتز، و ریمون بودن نیز مطرح کرده‌اند طبقه اجتماعی دانش آموز از عوامل دیگری که می‌توانند بر عملکرد تحصیلی دانش آموز مؤثر باشند مهمتر بوده و نقش بیشتری را ایفا می‌کند. پس در این صورت شناخت این تأثیر و خصوصاً متغیرهای بنیادین و مکانیزم عمل آن در جامعه از این نظر اهمیت دارد که می‌توان با شناخت و تعدیل آن از میزان خسارات اقتصادی بر نظام آموزشی و عوارض روانی - اجتماعی بر جامعه جلوگیری کرد. خساراتی که سالانه در قالب افت تحصیلی مانند شکست تحصیلی و تکرار پایه رخ نموده و از یک سو هزینه‌های زیادی را برای جبران می‌طلبد و از سوی دیگر عوارض روانی منفی برای دانش آموز شکست خورده و عوارض اجتماعی ناشی از عواقب این شکست را در پی دارد.

#### اهداف

همانگونه که به صورت پراکنده در قسمتهای قبل اشاره شد، اهداف تحقیق عبارتست از دست یافتن به پاسخ مناسب برای سوالاتی مانند وجود یا عدم رابطه بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و عملکرد تحصیلی است. به عبارت دیگر آیا نابرابری در پایگاه طبقاتی می‌تواند بر عملکرد تحصیلی مؤثر باشد و اگر چنین است این تأثیر به چه صورت انجام می‌گیرد. یعنی اینکه آیا رابطه بین آن دو خطی است یا غیر خطی، و همچنین مثبت است یا منفی. اگر رابطه مذکور تأیید شد آیا متغیرهای دیگری نیز در بین آن دو قرار دارد که باعث انتقال این تأثیر می‌شود و اگر چنین است این متغیرها چه چیزهایی هستند و تأثیرشان چقدر است. تشخیص این متغیرها از این نظر حائز اهمیت است که در هر حال رفع نابرابریها در جوامع مختلف اصولاً "بسیار مشکل بوده و تجربه بشری حکایت از آن دارد، حتی در مواردی نیز که سعی بر امحای نوعی از آن داشته‌اند نهایتاً در شکل و فرم دیگری رخ نموده و هیچ‌گاه به طور کامل از بین نرفته است. بنابراین شناخت متغیرهای بنیادین عمل‌کننده که همزمان از نابرابری و سایر عوامل خارج از مدل تأثیر پذیرفته و بر عملکرد تحصیلی تأثیر می‌گذارند باعث می‌شود تا در صورت وجود عزم مجریان. آنها بتوانند با جایگزینی عوامل مثبت از تأثیر نابرابری کاسته و نوعی همسانی در علل مؤثر بر بهبود عملکرد تحصیلی ایجاد نمایند و در نهایت اثر نابرابری اجتماعی که در هر حال موجود است را در این خصوص کاهش دهند.



فصل اول

چهارچوب تئوریک

## پایگاه اقتصادی - اجتماعی

واژه پایگاه در جامعه‌شناسی با معانی مختلف به کار گرفته شده است:

رالف لیتون می‌گوید: پایگاه بطور ساده عبارت از موقعیتی خاص در نظام اجتماعی است، مانند پایگاه "کودک"، "والدین" و غیره. به عبارت دیگر در این تعریف، پایگاه به آن چیزی که فرد هست اطلاق می‌شود در حالیکه نقش اجتماعی<sup>(۱)</sup> مربوط است به رفتاری که انتظار می‌رود فرد در وضعیت پایگاهی معین از خود نشان دهد [کرامبی و هیل، ۱۳۶۶: ۳۵۷]

در تعریف دیگر، پایگاه مترادف با احترام یا منزلت (پرستیژ) بکار رفته است. [منبع قبلی همان صفحه] - ماکس وبر با همسان دانستن مفهوم پایگاه با منزلت سعی دارد آنرا در کنار طبقه مطرح کند، بطوریکه وی ضمن از تفکیک و تمیز پایگاه سیاسی [منزلت] طبقه اجتماعی یاد آور می‌شود که پایگاه اجتماعی فرد همراه با طبقه و قدرت سه بعد اصلی قشر بندی اجتماعی را تشکیل می‌دهند. وی مشخص نمی‌کند که کدامیک از این سه بعد دارای اولویت است ولی یاد آور می‌شود اگر فرد، پایگاه بالائی داشته باشد، بدنبال آن ثروت نیز خواهد داشت.

هارولد کارفینگل در آثار خود درباره پایگاه می‌گوید که حتی یک مخاطب‌گذرا نیز می‌تواند در سرنوشت فردی که [مدعی احراز پایگاه اجتماعی معینی است تأثیر بگذارد، در حالیکه رالف لیتون، پایگاه را موقعیتی در ساخت اجتماعی تعریف می‌کند که ربطی به ویژگیهای فردی ندارد [Kuper, 1985:

دیویس نیز تعبیر لیتون را پذیرفته و به کرات از آن استفاده نموده است. [قبلی]

گرهاردنسکی ارتباط بین پایگاه اجتماعی و موقعیت طبقاتی<sup>(۲)</sup> افراد را مورد بررسی قرار داده است. وی مفهوم بنظر کریستالیزه<sup>(۳)</sup> شدن پایگاه اجتماعی و نیز مفهوم ناپیوستگی پایگاهی<sup>(۴)</sup> را مطرح می‌نماید ناپیوستگی [قبلی] نسکی (ناپایداری) پایگاهی زمانی واقع میشود که فرد در یک جا پایگاه اجتماعی بالایی داشته باشد که در جای دیگر معادل آن پایگاه دارای پرستیژ یا پاداش نیست مانند کسانی که مدارج تحصیلی بالائی دارند ولی حقوق کمی دریافت می‌کنند و در مقابل کریستالیزه شدن زمانی رخ می‌دهد که بین رتبه‌های فرد و پایگاههای وی هماهنگی وجود داشته باد مانند رئیس یک شرکت که هم پرستیژ، هم تحصیلات و هم درآمد بالائی دارد. وی معتقد است ناپیوستگی پایگاهی از علل بروز نارضایتی، خشم و شورش است و فردی که پایگاه کریستالیزه شده‌ای نداشته باشد دچار تضاد نقش می‌شود.

- 1- Social Status
- 2- class Posetion
- 3- Status Crystalization
- 4- Statrs Inconsistency

مندراس و گوریچ می‌گویند در جامعه صنعتی امروز فرد تعداد زیادی از نقشهای متفاوت را به عهده دارد... و همین ترکیب نقشهای متفاوت اجتماعی یک فرد و یا ترکیب تصویری موقعیتهای او را پایگاه وی می‌نامند. [قبلی: ۱۵]

پارسنز و ویلیامز با عنایت به دیدگاه ساخت‌گرائی کارکردی، معتقدند که هر فرد پایگاهی را در ساختارهای گوناگون جامعه اشغال می‌کند در اینجا منظور از پایگاه حیثیت و اعتبار جایگاه شخص نیست، منظور خود جایگاه است [گرب، ۱۳۷۳: ۱۲۱]

آلن بیرو معتقد است جایی که هرکس در ساخت اجتماعی اشغال می‌کند، وضع یا اعتبار اجتماعی است که معاصران فرد، بدو بطور عینی در بطن جامعه‌ای که در آن حیات می‌گذارند، تفویض می‌دارند، وضع یا مرتبتی است که شخص بطور ذهنی حفظ می‌کند یا در نظر دیگران سعی در نگهداری از آن دارد. [آلن بیرو، ۱۳۶۶: ۳۸۱]

آلن بیرو می‌گوید: پایگاه اقتصادی که مشخصه آن ماهیت درآمد و حجم آن است، در تعریف پایگاه اجتماعی کافی نیست و معمولاً عواملی چون خاندان، فرهنگ، نژاد و دین و ... موجبات تفویض اعتباری به رسمیت شناخته شده از طرف جامعه را فراهم می‌سازند.

#### تعریف پایگاه اقتصادی - اجتماعی در تحقیق حاضر

تعریفی که از پایگاه در این تحقیق مورد نظر می‌باشد به شرح زیر تنظیم گردیده " پایگاه موقعیتی است که هر فرد در ساخت سلسله مراتب برخوردار در یک جامعه و در زمان معین اشغال می‌کند و در آن بخشی از منابع ارزشمند را دارا است " تفکیک سلسله مراتبی پایگاه بر اساس میزان برخوردار فرد از منابع ارزشمند مشخص می‌شود. به عبارت دیگر هر فرد در سلسله مراتب پایگاهی درجه‌ای از برخوردار را داراست. که از هر پایگاهی به پایگاه دیگر متفاوت خواهد بود. رفتار هر فرد در پایگاه مشخص بر اساس نقشهایی است که از طرف اعضای جامعه برای آن پایگاه مشخص شده که در این تعبیر نقشهای الگوهای رفتاری مورد انتظار هستند که فرد رفتار خود را در پایگاه معینی مبتنی بر آنها تنظیم می‌کند. مکانیزم تنظیم رفتار یا به عبارت دیگر چگونگی تخصیص نقشها بوسیله هنجارها و انتظارات اجتماعی انجام می‌گیرد.

" پایگاه نیز همانند نقش هم دارای جنبه‌های عینی است که شماری از عناصر خارجی قابل مشاهده و به رسمیت شناخته شده مشخص کننده آنند و هم جنبه‌های ذهنی که با بیان خود فرد در باب وضع اجتماعی که به تصور خود احراز کرده است یا نقشی که فکر می‌کند، ایفای آنرا به عهده دارد قابل تمیز است. [آلن بیرو، ۱۳۶۶: ۳۸۱]

#### مفاهیم مورد استفاده در تعریف پایگاه

## موقعیت (۱)

را در تعاریف مختلف ولی نزدیک به هم بکار برده‌اند که در برخی تعاریف اختلاط بین معانی موقعیت و پایگاه یا شرایط نیز به چشم می‌خورد.

آلن بیرو موقعیت را مقام و موضعی می‌داند که یک فرد در یک جامعه و در زمانی معین اشغال می‌کند. ولی یادآور می‌شود که این مفهوم در محاوره با پایگاه اجتماعی تطابق می‌یابد... در موقعیت، بیشتر شرایطی عینی مطمع نظر قرار می‌گیرند که شخص در درون آنها دیده می‌شود و حال آنکه پایگاه، وضع و شرایطی را که شخص خود را در آن می‌بیند نیز می‌رساند [آلن بیرو، ۱۳۶۶:۳۷۱]

کینگزلی دیویس<sup>(۲)</sup> در تعریف موقعیت با بیان پایگاه<sup>(۳)</sup> و مقام<sup>(۴)</sup> بعنوان دو زیرمجموعه برای اصطلاح موقعیت، می‌گوید: یک موقعیت چه پایگاه باشد یا مقام، حداقلی از رفتار لازم برای متصدی [آن موقعیت] را تعریف می‌کند ولی این موقعیت نمی‌تواند تضمین کند که دارنده آن [متصدی آن] رفتار را بطور کامل انجام دهد.

توماس فوردهالت نیز با استناد به تعریف دیویس بیان می‌کند که موقعیت یک اصطلاح عمومی برای اشاره به همه انواع جا<sup>(۵)</sup> و مکانها<sup>(۶)</sup> در ساخت اجتماعی خاص می‌باشد که شامل دو زیرواژه پایگاه و مقام می‌باشد. وی در تعریف مقام آنرا موقعیت خاصی در یک سازمان ویژه می‌داند. [T.F.Hoult, 1977:243]

و بدین ترتیب تفاوت پایگاه و مقام را بیشتر در حوزه شمول آن می‌بیند بطوریکه پایگاه ناظر به سلسله مراتبی است در حالیکه مقام این حالت را در سازمان یا گروه خاص نشان می‌دهد. ولی در تحقیق حاضر موقعیت به جا و مکان افراد در ساخت اجتماعی در هر جامعه اطلاق می‌شود صرف نظر از هر نوع درجه‌بندی یا تقسیم‌بندی سلسله مراتبی در واقع در این تعبیر هر فرد باید جایی را در ساخت اجتماعی داشته باشد که این جا و مکان کلی تر از پایگاه بوده و با عنایت به حوزه شمول آن به کل جامعه و ساختی بودنش یعنی داشتن آرایشی نسبتاً ثابت و نهادی در اجتماع آنرا از شرایط<sup>(۷)</sup> بیشتر غیر ثابت، غیر نهادی و موردی می‌باشد، تفکیک می‌کند در این صورت جا و مکان ذکر شده با مجموعه‌ای از نقشهای مرتبط و سایر متعلقات عینی تمییز داده می‌شود که فرد در آن موقعیت داراست.

1- Position

2- Davis, Kingley

3 -Status

4- Office

5- Place

6- Location

7- Situation